

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.12, Esfand 2023
<https://doi.org/10.30510/psi.2022.302985.2247>

Abstract

Violation of WTO obligations will result in liability of the offending member, and Articles 20 GATT and Article 14 GATT provide for exceptions to the general rules as a right of members, but in exercising the right of exception, in addition to the element of necessity, the principle of non-discrimination must be observed. The exception should not be arbitrary or unfair discrimination between members and should not create hidden practices and restrictions in trade under the same conditions. The question is whether human rights standards can be applied in the light of the general exceptions in Article 20GAT or 14GATS? With this view expressed in the two articles, not all human rights issues are explicitly raised, and what is the view of the organization's jurisprudence in the Board of Appeals on this issue? The WTO jurisprudence has always taken it into account with its broad interpretation of the organization's rules and its willingness to implement human rights in its rulings. In this article, we will focus on the ability to cite the protection of human rights in the form of exceptions to the above.

Keywords: General Exceptions, Human Rights, Pillar of Settlement, GATT, GATT, Article 20, Article 14.

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.302985.2247>**تبیین و تفسیر حقوق بشر در پرتو آرای رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت**یونس پورزنگبار^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

حاتم صادقی زیازی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

علیرضا آرش پور^۳**چکیده**

نقض تعهدات سازمان جهانی تجارت، مسئولیت عضو خاطی را در پی خواهد داشت و ماده ۲۰ گات و ۱۴ گاتس استثنائاتی برای تخطی از مقررات عمومی به عنوان حق اعضاء پیش بینی کرده است ولیکن در اعمال حق استثناء، علاوه بر عنصر ضرورت، بایستی اصل عدم تبعیض مراعات شود، به طوریکه استثناء نباید به روش تبعیض خودسرانه یا غیرمنصفانه بین اعضاء باشد و در شرایط یکسان اعمال و محدودیت‌های پنهان در تجارت ایجاد نکند. سوال مطروحه این است که آیا موازین حقوق بشر در پرتو استثنائات عمومی مندرج در ماده ۲۰ گات یا ۱۴ گاتس قابل اعمال است؟ با این نگرش که در دو ماده بیان شده، همه موارد حقوق بشر صراحتاً مطرح نشده است و نگرش رویه قضایی سازمان در هیات استیناف نسبت به این موضوع چیست؟ رویه قضایی سازمان جهانی تجارت با تفسیر موسع از مقررات سازمان و تمایل به اجرای حقوق بشر در آرای صادره همواره آن را مدنظر قرار داده است و بر خلاف رویه قضایی گات، تئوری سازمان در آزادسازی تجارت و حقوق بشر را هم سطح در نظر گرفته است. در مقاله حاضر، به قابلیت استناد به حمایت از حقوق بشر در قالب استثنائات مواد فوق الذکر خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: استثنائات عمومی، حقوق بشر، رکن حل و فصل، گات، گاتس، ماده ۲۰، ماده ۱۴.

^۱ گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران pourzangbar.younes@gmail.co

^۲ گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

Hatamsadeghizazi110@gmail.com

^۳ دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

موضوعی که در سازمان جهانی تجارت، (World Trade Organization WTO) در دور اروگوئه در تصویب موافقت‌نامه تجارت کالا، خدمات و مالکیت فکری همواره محل بحث و نزاع بوده این است^۴ که حقوق بشر چه جایگاهی در رویه رکن حل اختلاف سازمان دارد؟ در جواب این سوال، بایستی به تئوری سازمان اشاره نمود: در تئوری سازمان، آزادسازی تجارت مدنظر بوده است نه موازن حقوق بشر و اصولاً حقوق بشر جایگاهی در این سازمان نداشته است. حتی در انتقاد از سازمان، منتقدین بر این باور بودند که مقررات سازمان و آزادسازی تجارت، مزدها را پایین نگه داشته، حقوق کارگران را نادیده گرفته و در نهایت مشاغل را از بین می‌برد. این طرز فکر در آرای گات مشهود و مبرهن می‌باشد. اما صرفنظر از این دیدگاه افراطی، تجارت و روابط تجاری آزاد مسلماً رونق اقتصادی را در پی داشته و در نتیجه آزادسازی تجارت، رفاه عمومی افزایش می‌یابد. موضوع حایز اهمیت این است که آزاد سازی تجارت منافاتی با رعایت موازن حقوق بشر ندارد و قضات سازمان با درک این مهم، موفق به ایجاد توازن در اجرای قواعد سازمان به مثابه سنگ بنای حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بشر شده اند (Carmody.2008).

3)

در بررسی مقررات سازمان از بدو تاسیس گات (General Agreement on Tariffs and Trade) عمده مباحث موافقت‌نامه‌ها، آزادسازی تجاری و رفع موانع تجارت بوده و بحث حقوق بشر چندان مدنظر قرار نگرفته است. برای مثال در ماده ۲۰ گات و ۱۴ گاتس، اعضاء صرفاً در صورت توجیه ضرورت حفظ حیات، بهداشت انسان، حیوان و گیاهان مجاز به تخطی از تعهدات هستند. درحوزه محیط زیست، موافقت‌نامه‌های موانع فنی فرا راه تجارت و موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی، بهداشت نباتی و موافقت‌نامه کشاورزی، اهداف زیست محیطی و انسانی را به رسمیت شناخته است. در ماده ۲۷ موافقت‌نامه در خصوص جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، دولتها می‌توانند از ثبت یا اعطای حق اختراع در مورد محصولات که زندگی یا سلامت انسان، حیوان یا گیاه را به خطر می‌اندازند یا احتمال آسیب جدی به محیط زیست در آنها متصور است، امتناع نمایند.

^۴ نک: امید بخش، ۱۳۸۹: ۱۷-۲۵.

در دور دوحه (Doha Development Agenda) بیانیه ای در ۵۲ بند تصویب و با شروع دور جدید مذاکرات تجاری موافقت حاصل شد که در بندهای ۳۰ و ۳۱ بیانیه، موضوع تجارت و محیط زیست در دستور کار قرار گرفت اما نتیجه خاصی در این خصوص در بر نداشت. (صباغیان، ۱۳۸۹: ۶۴۲).

اعضاء سازمان جهانی تجارت ملزم و مکلف به اجرای تعهدات خود مطابق موافقت‌نامه‌های چند جانبه و حتی سایر الزامات و قواعد سازمان از جمله تصمیمات، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های عرفی در مورد تبعیت طرف‌های متعاقد گات ۱۹۴۷ خواهند بود. (حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۳).

مطابق مقررات سازمان جهانی تجارت، اعضاء حق تخطی از مقررات را ندارند مگر با استناد به استثنائات ماده ۲۰ گات و ۱۴ گاتس و با در نظر گرفتن اصل عدم تبعیض و به شرطی که این اقدامات مغایر، خللی در روند آزادسازی تجارت ایجاد ننماید. می‌توان بیان داشت که در بیان این استثنائات، سازش بین منافع مختلف کشورهای عضو و همچنین مطابقت تجارت با مسایل غیرتجاری مدنظر بوده است. ماده ۲۰ گات تصریح می‌کند که «مشروط به رعایت اینکه چنین اقداماتی به روشی اعمال نشود که موجب تبعیض خودسرانه یا غیرمنصفانه برای کشورها باشد و در شرایط یکسان بوده و یا محدودیت پنهان در تجارت بین‌الملل ایجاد نکند، هیچ یک از مقررات این موافقت‌نامه مانع تصویب یا اجرای اقدامات دول عضو در موارد ذیل نخواهد شد». ضرورت حفظ اخلاقیات عمومی، حیات و بهداشت انسان، حیوان و گیاهان در نص مواد ۲۰ گات و ۱۴ گاتس بسیار مجمل و مبهم بوده و اشاره صریح به حقوق بشر ندارد. اگر این مواد با اهداف موافقت‌نامه گات یا گاتس تفسیر شود بایستی منافع تجاری بر سایر موضوعات از جمله حقوق بشر و غیره ترجیح داده شود. بر این اساس، دور مذاکراتی دوحه در مورد موضوعات غیرتجاری نتایج و توافقات قابل توجهی در پی نداشته است. ^۵قضات سازمان در اعمال شرایط ماده ۲۰ گات و ۱۴ گاتس در آرای صادره، علاوه بر تفسیر موسع، سعی در اعمال موازین حقوق بشر دارند.

(WT/DS135/R18,2000: Para .8.272)

۵ برای دسترسی به کلیه آرای هیات حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مراجعه کنید به:

<https://www.WTO.org/english/tratop-e/dispute/Cases.e.htm>

در مواد ۲۰ و ۱۴ چند شرط در مقدمه و پاراگراف ۲، جزء شرایط اساسی اعمال حق استثناء بیان شده است که دو شرط اصلی مقدمه عبارت است از: الف) رعایت اصل عدم تبعیض در اعمال استثناء با عبارت عدم تبعیض خودسرانه و غیرمنصفانه بین دول عضو در شرایط یکسان ب) عدم ایجاد محدودیت پنهان در تجارت بین الملل و شرایط مندرج در پاراگراف ۲، که شامل الف) احراز ضرورت اقدام مغایر با تعهدات و ب) حمایت از حیات و بهداشت انسان، حیوان و گیاه می باشد که در دعاوی مطروحه با نگاه دقیق و حقوقی توسط قضات مورد رسیدگی قرار گرفته است. اما، در این مواد صرفاً به ذکر عنوان اکتفا شده است و تعریف یا تفسیری در این زمینه ارائه نشده که خوشبختانه رویه قضایی سازمان طی سالیان متمادی در دعاوی به تفسیر و بیان این مواد پرداخته و دامنه اجرای آنها را مشخص کرده است. (Qureshi. 2013/81).

بنابراین، در مقاله حاضر در دو فصل به بررسی شرایط مواد ۲۰ گات و ۱۴ گاتس خواهیم پرداخت. در فصل اول شرایط مقدمه در دو گفتار و در فصل دوم، شرایط پاراگراف ۲، در دو گفتار بیان می گردد و نهایتاً رویه سازمان در خصوص حمایت از حقوق بشر بحث خواهد شد. در مقاله حاضر، چندین رای سازمان برای نمونه مورد کنکاش قرار گرفته است.^۶

۱- شرایط مقدماتی احراز ماده ۲۰ گات و ۱۴ گاتس

در فصل اول به بررسی شرایط مقدماتی دو ماده مطروحه در رویه قضایی و دکترین خواهیم پرداخت. ماده ۲۰ گات استثنائاتی را با هدف حفظ حیات و بهداشت انسان، محیط زیست و حیوانات از اجرای تعهدات عمومی برای اعضاء مقرر کرده است. برای استناد به استثنائات بایستی اثبات شود که اولاً) اقدام صورت گرفته حاین شرایط مقدماتی مواد ۲۰ گات و ۱۴ گاتس بوده است یا خیر؟ و ثانیاً) اثبات شود که اقدام مغایر در قالب پاراگراف (ب) و (ز) مواد ۲۰ و ۱۴ قابلیت توجیه دارد؟ قبل از بررسی این موارد پاسخ به این سوال الزامی است که تعیین موازین حقوق بشر در سازمان بر عهده چه نهادی است؟ آیا سازمان باید مقرراتی در این خصوص وضع کند؟ در پاسخ به سوال اول بایستی در نظر داشت که سازمان در خصوص حقوق بشر مقررات صریح، جامع و عام الشمولی ندارد و

^۶ WT/DS2/10/Add.7 | 26 August 1997. WT/DS381/49/Rev.1 | 17 January 2019. WT/DS58/23 | 26 November 2001. WT/DS161/AB/R. WT/DS169/AB/R/11 December 2000. WT/DS332/AB/R/3 décembre 2007. WT/DS302/AB R /25 avril 2005. WT/DS285/ABR/7 avril 2005. WT/DS2/AB/R26avril 1996.

در ماده ۲۰ گات صرفاً چند مورد مطرح شده است که نتایج دور دوحه نیز هیچ موفقیتی در این خصوص نداشت و برای رفع نواقص موجود، رکن استیناف در چند پرونده از جمله در دعوی بنزین (WT/DS2/10/Add.1997) (۷،۲۶) و لاستیک‌های بازیافت (WT/DS332/AB.2007 : R3) این اختیار را به دولت عضو واگذار کرده

است و استقلال اعضاء سازمان در تعیین اهداف زیست محیطی و موازین حقوق بشر بارها تأیید شده است. همچنین در پرونده میگو (WT/DS58.2001: 23)، رکن استیناف متذکر شد که عضو واردات کننده با اقدام یکجانبه می‌تواند شرایط دسترسی به بازار را تعیین کند و عضو صادرات کننده بایستی مطابق با آن سیاست عمل نماید به شرطی که عضو واردات کننده مطابق استثناء عمل نموده باشد. در این پرونده‌ها سیاست‌های اتخاذ شده توسط اعضاء در سازمان تأیید شده است. برای مثال سیاست مربوط به کاهش مصرف سیگار، حمایت از دلفین‌ها، کاهش خطرات ایجاد شده با مواد معدنی، کاهش خطرات مربوط به حیات و سلامت انسان، حیوانات و گیاهان ناشی از تجمع لاستیک‌های بازیافت «تحت بند (ب) ماده ۲۰ گات»، در حفاظت از اهدافی است که برای حفاظت از ماهی تُن، ماهی آزاد، شاه ماهی، دلفین، لاک‌پشت و هوای پاک به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، رکن حل اختلاف اعتراضی به سیاست اتخاذی عضو ندارد بلکه بررسی می‌کند که آیا در سیاست اتخاذی اصل عدم تبعیض رعایت گردیده است یا خیر؟

۱-۱ عدم تبعیض خودسرانه و غیرمنصفانه

تخطی اعضاء از تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌ها با استناد به ماده ۲۰ گات نباید موجب تبعیض خودسرانه یا غیرقابل توجیه یا اعمال موانع پنهان بر تجارت بین‌الملل باشد. فلسفه وضع مقدمه این ماده، عدم سوءاستفاده اعضاء از استثنائات ماده ۲۰ بود. این امر بارها در رویه قضایی سازمان تأکید شده و مقدمه را ضامن اجرای صحیح مقررات عمومی دانسته و در واقع، در وضع مقدمه ماده ۲۰ گات، اصل حسن نیت در اجرای تعهدات اعضاء مدنظر قرار گرفته است. به نظر می‌رسد ضمانت اجرایی نقض اصل عدم تبعیض با توجه به هدف این چندان موثر نبوده چون این ضمانت به اعاده و حذف محدود شده است و بایستی برای تأثیر و بازدارندگی این اصل، ضمانت اجرا تقویت شود. جوامع اروپایی در پرونده شکایت علیه برزیل در خصوص منع واردات لاستیک‌های بازیافت به دلیل نقض اصل عدم تبعیض خودسرانه و غیرمنصفانه و ایجاد محدودیت پنهان در تجارت، در دفاع بیان داشتند که اعمال

ماده ۲۰ مستلزم رعایت دو الزام است: رعایت اصل عدم تبعیض و عدم ایجاد محدودیت در تجارت. در آرای سازمان در قضیه بنزین و میگو بیان شده که هدف و مقصود از شروط مندرج در مقدمه ماده ۲۰ جلوگیری از سوءاستفاده از استثنائات این ماده می‌باشد. در پرونده میگو رکن استیناف اضافه کرد که در اعمال استثناء، اولاً بایستی اصل توازن بین حق اعضاء در استناد به استثنائات و حق سایر اعضاء تحت گات در مطالبه تعهدات رعایت شود و ثانیاً مقدمه ماده ۲۰ در صدد محدود و مشروط کردن استثنائات هستند و ثالثاً این مقدمه به صراحت به اصل حسن نیت در حقوق بین‌الملل اشاره می‌کند. (92 : WT/DS332/AB/R3.2007) در پرونده لاستیک‌های باز یافت شده، رکن استیناف یادآوری می‌کند که اعضاء در صورتی می‌توانند از ماده ۲۰ گات استفاده نمایند که با حسن نیت و در راستای اهداف مشروع اقدام نمایند نه اینکه استثناء دستاویزی برای دور زدن تعهداتشان در قبال سایر اعضاء باشد. (229 : WT/DS332/AB/R3.2007)

در سال ۱۹۸۲ هیات رسیدگی با استناد به مقدمه ماده ۲۰ در پرونده ممنوعیت واردات ماهی تُن و محصولات تولیدی از آن با مبدا کانادا که به دلیل توقیف کشتی‌ها و ماهیگیران امریکایی توسط کانادا در آبهای مورد اختلاف بود، اعلام کرد که «اقدامات آمریکا در منع واردات ماهی تُن از کانادا خود سرانه و غیرمنصفانه نبوده و مشابه این اقدام در خصوص اکوادور، مکزیک و کاستاریکا انجام شده است و دلایل امریکا در همه موارد یکسان بوده است». (L/5198.1982: 108, Para 4.8)

نمونه دیگر رکن استیناف در پرونده گازوئیل است که کشور استناد کننده به استثنائات ماده ۲۰ گات، می‌بایستی شرایط آن را اثبات می‌نمود. (۲۷: ۲۰۰۹، pauwelyn).

۲- شرایط مندرج در پاراگراف (الف)، (ب) و (ز) ماده ۲۰ گات و ۱۴ گاتس

۱-۲ ضرورت

ضرورت در عبارات هیات‌های رسیدگی استیناف، به معنای اقدامی است که: اولاً، در محدوده استثنائات صراحتاً بیان شده است و اقدام انجام یافته کمترین خسارات را به تجارت بین‌الملل وارد نماید و همچنین جایگزین واقعی و مناسب و در دسترس برای آن اقدام نباشد. برای مثال، در صورت استناد به ضرورت حمایت از حیات و سلامت انسان، حیوان و گیاه، اقدام صورت گرفته بایستی مستقیماً به سلامت انسان مربوط باشد و آن را تحت تاثیر قرار

دهد. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا مفهوم ضرورت در بند (ب) ماده ۲۰ با بند (د) ماده ۲۰ متفاوت هستند یا خیر؟ واژه ضرورت در بند (ب) برای انسان، حیوان و گیاه و در بند (د) برای تضمین مطابقت قوانین و مقررات کاربرد دارد. هیات رسیدگی در پرونده تایلند بیان داشت که دلیلی بر تفاوت ضرورت در بندهای (ب) و (د) وجود ندارد و در هر دو پاراگراف هدف و مقصود یکسان بوده که به اعضاء متعاقد اجازه می‌دهد تا اقدامات محدود کننده تجارت را اعمال نمایند. این اقدامات با مقررات عمومی ناهماهنگ بوده و اهداف سیاست عمومی را نقض می‌نماید ولی اعمال این اقدام غیرقابل اجتناب است. دلیل ناهماهنگی ناشی از اجرای بند (د) گات و قوانین و مقررات داخلی در اجرای اقدامات بند (ب)، ناشی از سیاست‌های مرتبط به سلامتی انسان‌ها می‌باشد و توجیهی برای تفسیر متفاوت از واژه ضرورت وجود ندارد. (EPCT/A/PV/30,2000: 13)

در پرونده عوارض گمرکی بر الکل‌های وارداتی، تشخیص ضرورت با نظر هیات به خود کشورهای عضو اعطاء شده که دارای آزادی تصمیم‌گیری در این خصوص می‌باشند. (L/6216,34S/83.1986: 124, para5.13)

در گزارش هیات در سال ۱۹۹۰، در پرونده محدودیت‌های وارداتی و مالیات‌های داخلی بر سیگارها، اقدامات تایلند در خصوص ممنوعیت واردات سیگارها بررسی شد: هیات اعلام نمود که این اقدامات با ماده ۱۱ موافقتنامه عمومی ناهماهنگ است ولی تایلند ادعا کرد که محدودیتها تحت بند (ب) ماده ۲۰ قابل توجیه بوده و دلیل آن اقدامات منع و کنترل کننده و همچنین اعتیادآور بودن سیگار بوده که ضررهای فراوانی به افراد در مقایسه با سیگارهای تایلندی دارد. هیات استیناف کارشناسی از سازمان بهداشت جهانی را درخواست نمود (L/6216,34S/83.1986 : 124, para5.13) که نهایتاً چنین نظر داد: «در توافق با طرفین اختلاف و کارشناس سازمان بهداشت جهانی، هیات پذیرفت که سیگار وارداتی از ایالات متحده آمریکا یک خطر جدی برای بهداشت و سلامتی انسان بوده و اقدامات تایلند در جهت کاهش مصرف سیگارها دقیقاً در قلمرو بند (ب) ماده ۲۰ می‌باشد». هیات اضافه کرد که این مقرر صراحتاً به اعضاء متعاقد اجازه داده است که سلامتی انسانها بر آزادسازی تجاری اولویت داشته باشد اما برای یک اقدام تحت پوشش ماده ۲۰ بایستی ضرورت اثبات شود. در اثبات ضرورت، اقدامی ضروری است که کلیه جایگزین‌های ممکن و قابل اجراء بررسی شود و اگر اقدام جایگزین

نباشد، بایستی اقدامی اتخاذ شود که کمترین ضرر را به تجارت بین‌الملل داشته باشد و کمترین ناهماهنگی را با سایر مقررات گات داشته باشد.

هیات از این عبارت نتیجه گرفت که محدودیت‌های وارداتی اعمال شده توسط تایلند می‌تواند در معنای ضرورت بند (ب) ماده ۲۰ باشد، به شرطی که هیچ اقدام جایگزین دیگری مطابق با گات نباشد که ناهماهنگی کمتر داشته باشد. در اینصورت تایلند بصورت معقول برای رسیدن به اهداف سیاست بهداشت و سلامتی افراد اقدام کرده که مستقیماً در راستای هدف بند (ب) ماده ۲۰ می‌باشد.

برای اینکه یک اقدام مربوط به تجارت تحت بندهای (ب) و (ز) ماده ۲۰، واجد شرایط استثناء باشد، عضو اقدام کننده بایستی ارتباط منطقی بین هدف اعلام شده و سیاست اتخاذ شده و ضرورت حمایت از حیات و بهداشت انسان، حیوان، گیاه و مربوط به حمایت از محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر را اثبات نماید.

برای تعیین ضرورت اقدام انجام گرفته تعریفی در ماده ۲۰ گات مطرح نشده است اما رکن استیناف در آرای صادره سعی بر رفع ابهام و تعیین دقیق معیارهای ضرورت پرداخته است که می‌توان به اقدام انجام یافته با هدف و سیاست اتخاذ شده در رعایت حقوق بشر و اهداف زیست محیطی، اهمیت منافع یا ارزشهای مشترک محافظت شده توسط این اقدام و تأثیر آن در تجارت بین‌الملل اشاره نمود. اگر تجزیه و تحلیل اولیه ضرورت را اثبات نماید، بایستی قابلیت اعمال اقدام جایگزین بررسی شود و در صورت وجود اقدام جایگزین مناسب و منطقی و معقول در دسترس و با محدودیت کمتر به تجارت، ضرورت اثبات نمی‌شود.

رکن استیناف در پرونده لاستیک‌های بازیافت شده بیان داشت که منع واردات آنها، جهت تولید با کیفیت در راستای اهداف بشری است یعنی هدف کاهش حجم زباله‌های ناشی از تائیرهای بازیافت بوده است. رکن استیناف همچنین بیان داشت که جایگزین‌های پیشنهاد شده که بیشتر ماهیت ساختاری دارند (یعنی مدیریت دفع زباله)، جایگزین موثر نسبت به ممنوعیت واردات نیستند که بتواند از تجمع لاستیک جلوگیری کند.

(WT/DS332/AB/R3.2007 : ۹۲ Para, 4.299)

آمریکا استدلال کرد که تایلند از طریق اقدامات داخلی هماهنگ با بند ۴ ماده ۳ می‌توانست به اهداف بهداشت عمومی دست یابد. بنابراین، ممنوعیت نمی‌تواند به عنوان ضرورت در معنای بند (ب) ماده ۲۰ گات باشد اما هیات

پس از بررسی مطرح نمود که اصل اهداف بهداشتی و سلامتی مطرح شده توسط تایلند برای توجیه کردن محدودیت‌های واردات، به جهت محافظت عموم از ترکیبات مضر سیگارهای وارداتی و کاهش مصرف سیگارها بوده است لذا این اقدامات می‌تواند متضمن کیفیت سیگارهای فروخته شده و کاهش مصرف آن در تایلند باشد. بنابراین هیات در مورد کیفیت سیگارهای مصرف شده در تایلند اعلام می‌کند که تایلند می‌توانست اقدامات مناسب یا کمتر نامناسب را اعمال نمایند و هیات در نظر می‌گیرد که تایلند به طور معقول می‌توانست اقداماتی را اتخاذ کند که اهداف کیفی و کمی خود را تامین نماید.

به طور خلاصه، هیات در نظر می‌گیرد که اقدامات هماهنگ متفاوت و متناسبی با موافقتنامه‌های عمومی که به طور معقول در دسترس هستند، وجود داشته تا کیفیت و کمیت سیگارها را کنترل نمایند و با اقدامات جایگزین می‌توانستند بر اهداف بهداشتی دست یابند و تایلند با محدود کردن واردات سیگار به صورت ناهماهنگ با بند یک ماده ۱۱ اقدام کرده است. هیات تشخیص داد که رویه تایلند اجازه فروش سیگارهای داخلی را می‌دهد درحالی‌که فروش سیگارهای خارجی را منع می‌نماید که این اقدام با موافقتنامه عمومی در مفهوم بند (ب) ماده ۲۰ و مفهوم ضرورت هماهنگ نمی‌باشد.

در صورت وجود اقدام جایگزین معقول در دسترس نمی‌توان به بند (ب) ماده ۲۰ گات متوسل شد و در پرونده ممنوعیت‌های وارداتی آمریکا استدلال شد که مطابق قانون حمایت از پستانداران دریایی، اقدام آمریکا در ممنوعیت ورود ماهی تُن و محصولات تولیدی از آن از کشور مکزیک بر مبنای بند (ب) ماده ۲۰ بوده است و هدف حمایت از زندگی دلفین‌ها بوده که منطبق با ضرورت ماده ۲۰ است و هیچ جایگزین معقول قابل دسترسی برای رسیدن به این هدف وجود ندارد و این اقدام می‌تواند در خارج از صلاحیت سرزمینی نیز اعمال شود. مکزیک استدلال کرد که بند (ب) ماده ۲۰ برای اقدامات حمایت از انسان، حیوان و گیاه در خارج از صلاحیت سرزمینی قابل اجرا نیست و همچنین اقدام ایالات متحده ضرورتی ندارد چرا که ابزارهای جایگزین متناسب با موافقتنامه عمومی برای نیل به این اهداف وجود دارد.

پس از طرح این استدلال، سوال هیات رسیدگی بر این مبنا بود که آیا اقدامات ضروری برای حفظ سلامت و بهداشت انسان، حیوان یا گیاهان می‌تواند در خارج از صلاحیت سرزمینی اعمال شود؟ چرا که در بند (ب) ماده ۲۰ مقررات

صریحی در این خصوص وجود نداشت. بنابراین، رکن حل و فصل با استناد به سابقه تصویب ماده ۲۰ گات بیان داشت که هدف حفظ بهداشت و سلامت در کشور وارد کننده و قلمرو داخلی کشورها مدنظر بوده است.

۲-۱-۱- معیار ضرورت و عدم سوءاستفاده

در خصوص معیار ضرورت رویه قضایی هیات استیناف را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: در گذشته یک اقدام زمانی به عنوان ضرورت محسوب می‌شد که اولاً، اقدام جایگزین معقول در دسترس نباشد و ثانیاً، اجرای اقدام مدنظر بایستی کمترین ضرر را به تجارت بین‌الملل داشته باشد. (BISD/36S/345,1989: para, 5.26) در حال حاضر، حتی اگر اقدام جایگزین در اجرای هدف مدنظر قابل دسترس باشد، اقدام اولیه می‌تواند ضرورت محسوب شود و در بررسی ضرورت اهمیت منفعت یا ارزش حمایت شده، نقش اقدام مدنظر در تحقق هدف مشروع، تاثیر اندکی در معیارهای بررسی محدودیت تجارت در ضرورت دارد. (WT/DS161/AB/R et (WT/DS169/AB/R,2000: para, 162-3) مشروعیات اقدامات مغایر با موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت و تعهدات مندرج در گات و گاتس در اجرای هدف حمایت از حقوق بشر بستگی به تعبیر محوری و اساسی قضات هیات تجدید نظر سازمان دارد که چه تعبیری از منافع حمایت شده حقوق بشر داشته باشند. البته این ارزیابی در زمینه حقوق مربوطه متفاوت خواهد بود. (RUIZ,2007 : 210) در واقع، می‌توان بیان داشت که قضات با پذیرش یا رد ارزش و اهمیت منافع حیاتی حقوق بشر یا برخی از آنها با تضمین اجرای آنها اثبات ضرورت اقدام را تسهیل می‌نمایند. پس از بررسی اهمیت ارزش حمایت شده، قضات سازمان جهانی تجارت به بررسی اقدام مغایر انجام یافته در دستیابی به هدف مشروع مدنظر می‌پردازند. علل این بررسی‌ها، اولاً، به این مسئله برمی‌گردد که آیا اقدام در راستای نیل به هدف مدنظر است و ثانیاً، اهمیت اقدام در اجرای هدف مدنظر به چه میزانی می‌باشد.

موضوع اصلی این است که اقدام جایگزین معقول و در دسترس می‌تواند نتیجه همان اقدام اصلی محدود کننده را داشته باشد. (WT/DS302/AB/R,2005: para 71) در پرونده دلفین‌ها استدلال مکزیکی این بود که ایالات متحده می‌تواند بدون محدودیت واردات با همکاری سایر سازمانهای بین‌المللی به هدف خود که حفظ لاک‌پشت‌ها

است نایل شود و به عبارت دیگر، کنترل اثربخشی اقدام ارتباط مستقیمی با کنترل قابلیت تعویض دارد، به صورتی که اقدام جایگزین برای تجارت ضرر کمتری داشته باشد و همچنین در رسیدن به هدف مورد نظر موثر باشد. (WT/DS161/AB/R et WT/DS169/AB/R,2000: para 166)

بنابراین، بر خلاف سیستم گات که تفسیر قضات از موازین حقوق بشر کاملاً مضیق و اولویت با آزادسازی تجاری بوده است، در سیستم سازمان جهانی تجارت، تفسیر قضات موسع بوده و موازین حقوق بشر بر تجارت اولویت داده شده است. قضات مواد ۲۰ و ۱۴ را به عنوان ارزشهای والای انسانی حتی بر فرض ضرر به تجارت شناسایی می‌نمایند.

۲-۲

حمایت از حیات و بهداشت انسان، حیوان و گیاه

۲-۲-۱ اولویت تجارت بر حقوق بشر در مقررات سازمان جهانی تجارت

توافق عمومی تعرفه‌های گمرکی یا گات و توافق عمومی بر تجارت خدمات یا گاتس، دو موافقتنامه اساسی تجاری چند جانبه در بطن سازمان جهانی تجارت هستند. هدف این دو موافقتنامه آزادسازی تجارت بین‌المللی در زمینه کالا و خدمات می‌باشد. در مقررات سازمان جهانی تجارت، استثنائاتی برای اقدامات مغایر مقررات سازمان برای اعضاء در نظر گرفته شده است که انجام این اقدامات مشروط به شرایط مندرج در مواد ۲۰ گات و ۱۴ گاتس می‌باشد. ماده ۲۰ گات تصریح می‌کند که: «مشروط به رعایت اینکه چنین اقداماتی به روشی اعمال نشود که موجب تبعیض خودسرانه یا غیرمنصفانه برای کشورها در شرایط یکسان باشد یا محدودیت پنهان در تجارت بین‌المللی ایجاد نماید، هیچ یک از مقررات این موافقتنامه مانع تصویب یا اجرای اقدامات دول عضو در موارد ذیل نخواهد شد.» (WT/DS135/R,2000: para 8.272)

بنابراین سوالات اساسی مطرح است: آیا حقوق بشر در ارزشهای مدنظر بین‌الگذاران سازمان با تئوری آزادسازی تجارت جایگاهی داشته است؟ آیا کشوری که مقررات حقوق بشر را اجرا می‌کند و در برخی مواقع با اجرای مقررات حقوق بشر، مقررات سازمان تجارت را نقض می‌کند، باید پاسخگوی نقض تعهدات خود باشد یا صرف استناد به موازین حقوق بشر می‌تواند توجیه‌کننده نقض قواعد باشد؟ چون اولویت قواعد سازمان جهانی تجارت بر آزادسازی

تجاری می‌باشد و آیا حمایت از موازین حقوق بشر نیز در اولویت هستند؟ پاسخ سوالات مطروحه نیاز به بررسی چندین موضوع دارد: اول اینکه آیا بین مقررات سازمان و سایر تعهدات اعضای اولویتی می‌تواند مطرح شود و نیز معاهدات بین‌المللی دارای ارزش یکسان هستند؟ دوم اینکه استناد به موازین حقوق بشر بایستی در متن کدام یک از مقررات سازمان جهانی تجارت توجیه و تفسیر شود؟ و سوم اینکه در رویه قضایی سازمان تجارت و در آرای صادره اولویت با آزادسازی تجاری می‌باشد یا با موازین حقوق بشر؟

۲-۲-۲- حمایت از حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت

در استثنائات مطروحه در ماده ۲۰ گات و ۱۴ گاتس به اعضای اجازه داده شده در پرتو این استثنائات از برخی مقررات با رعایت عدم تبعیض ناروا و عدم خودسری عدول نموده بدون اینکه مسئولیتی داشته باشند به‌طوریکه در شرایط عادی، این تخلف موجب مسئولیت عضو خاطی می‌شود. (WT/DS58/AB/R, 12/10/1998, para ۱۵۷)

بنابراین، اهداف مشروع بیان شده در استثنائات خود تابع قواعد کلی بوده یعنی اقدام مغایر بایستی اولاً، ضروری بوده و ثانیاً، اجرای آن به روش تبعیض‌آمیز و خودسرانه نباشد و محدودیت پنهان در تجارت ایجاد نکند. با تدقیق در شرایط مذکور، مشخص است که استثنائات نمی‌تواند از اصول کلی سازمان تخطی نماید. یعنی اگرچه استثناء می‌تواند قواعد را متروک نماید ولی در هیچ صورتی نمی‌تواند اصول را نقض کند. لذا اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل تجارت بدون محدودیت همواره بایستی مورد تبعیت قرار بگیرد. در این راستا وظیفه کنترل اجرای صحیح این استثنائات با قضات سازمان می‌باشد که معیارهای نهایی را مورد بررسی قرار می‌دهند که آیا ادعای عضو در خصوص استناد به موارد استثناء با شرایط مواد ۲۰ و ۱۴ منطبق بوده یا خیر؟

مشکل زمانی بروز می‌نماید که کشوری عضو در اقدامات مغایر تعهدات مندرج در معاهده تاسیس و سایر موافقت‌نامه دو جانبه یا چند جانبه به موازین حقوق بشر استناد می‌نماید که در این صورت، قضات در وهله اول با عدم تصریح به حقوق بشر به صورت صریح مقررات سازمان را در نظر دارند و در وهله دوم، سعی در اعمال و ترجیح مقررات آزادسازی تجارت بر حقوق بشر داشته و استثنائات را در مفهوم مضیق قضاوت می‌نمایند.

۲-۲-۱- عدم حمایت صریح از حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت

با تدقیق در محتوای استثنائات عمومی ماده ۲۰ گات و ماده ۱۴ گاتس و مقایسه آنها با محتوای حقوق بشر از جمله حق حیات، حق سلامت، حق بر محیط زیست سالم، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که حقوق بشر صراحتاً در این استثنائات مطرح نشده است و در اهداف مشروع موجد استثناء نیز بیان نشده است. بنابراین، صرفاً با تفسیر موسع از برخی از استثنائات می‌توان چنین حمایتی را استنباط نمود. تفاوتی که در ماده ۲۰ و ۱۴ به نظر می‌رسد، به این صورت است که در ماده ۱۴ گاتس به حفظ نظم عمومی اشاره شده یعنی در مواردی که تهدید واقعی و قطعی فاحش بر منافع اساسی جامعه تاثیر گذار باشد به‌طوریکه اگر حمایت از حقوق بشر را به عنوان منافع اساسی جامعه در نظر بگیریم، در این صورت، اقدام مغایر می‌تواند با این بند توجیه گردد. (LUFF, 2004 : 651)

اینکه بتوان حمایت از حقوق بشر را به عنوان منافع اساسی جامعه در نظر گرفت جای تردید نیست چون این حقوق مبنای «حیثیت ذاتی همه اعضاء جامعه بشری» و «حقوق برابر و مسلم آنها» در منشور ملل متحد و در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های ۱۹۶۶، اساس آزادی عدالت و صلح در جهان شناخته شده و بنابراین بدون شک حمایت از حقوق بشر می‌تواند جزء منافع اساسی جامعه تلقی شود. اینکه به موجب اصل نسبی بودن معاهدات این مقررات بر غیر اعضاء قابل اعمال نیست و حتی به دلیل ذکر در مقدمه الزام آور نیست، دلیلی بر غیرقابل استناد بودن این مقررات محسوب نمی‌شود چون این مقررات جنبه آمره و الزامی داشته (SUDRE, 2008) (۷۸-۸۶):

و می‌توان ادعا نمود جزء حقوق طبیعی و ذاتی است. غیرقابل استناد بودن این مقررات در مقابل کشورهای ثالث مورد تردید است و در واقع، دیوان بین‌المللی دادگستری در رای بارسلونا تراکشن، مقررات مربوط به حقوق اساسی افراد بشری را جزء قواعد عام الشمول قرار داده و در حوزه جهانی قابل اجراء می‌داند و می‌توان گفت این حقوق، استثناء بر اثر نسبی معاهدات محسوب می‌شوند. (ICJ. Affaire de la Barcelona Traction, ۱۹۷۰ : ۳۲, para, 33-34)

موضوع اصلی این است که قضات سازمان جهانی تجارت صلاحیت برای اجرای معاهدات برون سازمانی را نداشته و نایستی مقررات جاری موافقت‌نامه‌های سازمان را با معاهدات بیرونی تفسیر نمایند. (MARCEAU, 2002: 763) این مهم در بند یک ماده یک تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات بیان شده است که

اختلافات ارجاعی بایستی بر مبنای موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان حل و فصل شود که لیست این موافقت‌نامه‌ها در الحاقیه تفاهم‌نامه حل و فصل بیان شده است و کلیه موافقت‌نامه‌های چند جانبه و چند طرفه را در بر می‌گیرد. (WT/DSB/1998: 7)

البته منظور تحمیل سایر قوانین بر اعضاء سازمان نیست و صرفاً تفسیر نظم عمومی در این ساختار مدنظر است. البته رعایت قواعد حقوق معاهدات در تفسیر بر مبنای کنوانسیون وین در هیات استیناف سازمان مورد تایید قرار گرفته است. برای مثال، اصل عرفی حسن نیت در تفسیر، همواره مورد استناد قرار گرفته است. علت تایید اصول تفسیر بر مبنای کنوانسیون وین در رویه قضایی در واقع آشتی بین قواعد سازمان و حمایت از حقوق بشر محسوب می‌شود. اصول تفسیر موجب ارجحیت معاهدات حقوق بشر بر سایر معاهدات نیست و چنین تصویری مغایر با اصل برابری بین معاهدات است. اما شایان ذکر است که علاوه بر آمره بودن قواعد حقوق بشر و عام الشمول بودن آنها که موجب برتری این حقوق بر همه معاهدات بین‌المللی می‌شود و کنوانسیون حقوق معاهدات در ماده ۵۳ صراحتاً به اولویت قواعد آمره اشاره نموده است. در ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد نیز، مقررات این منشور بر سایر تعهدات اعضاء تقدم داشته و در صورت تعارض، مقررات منشور مقدم خواهد بود. بنابراین در این خصوص هم کشورهای عضو و هم سازمان جهانی تجارت مکلف به رعایت قواعد می‌باشند. پس از پذیرش چنین تعبیری، اقدام ملی با هدف حمایت از حقوق بشر برخلاف تعهدات گاتس فقط با تحقق سایر شرایط ماده ۱۴ محقق می‌شود. یعنی تو سل به استثناء در حوزه حمایت از حقوق بشر بایستی واجد شرایط لازم از جمله ضرورت و اجرای بدون سوء استفاده باشد. هیات استیناف تفسیرهای مترقی از توافق‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت را ارائه کرده که بر مبنای موافقت‌نامه‌های سازمان نیست به‌طوریکه هیات استیناف بر کنوانسیون‌ها استناد کرده که یا شاکی عضو آن نبوده و یا متونی که دارای قدرت الزام آور نیستند (WT/DS58/AB/R,1998: para 129-132)

که مثبت و موید تمایل قضات دیوان به رعایت موازین حقوق بشر هستند.

موضوع اصلی مناقشه در تفسیر نظم عمومی مندرج در ماده ۱۴ گاتس، برای توجیه اقدام مغایر در اجرای حقوق بشر، استناد به سایر استثنائات عمومی امنیتی بر مبنای بند (ج) ماده ۲۱ گات یا ۱۴ مکرر گاتس، قابل طرح است. در واقع استثنائات مندرج در مقررات گات و گاتس بایستی به نحوی تفسیر شوند که مانع اعضاء از اتخاذ یک

اقدام در اجرای تعهداتش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مندرج در منشور ملل متحد باشد. بنابراین، مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد بیان می‌دارد که سازمان و اعضاء آن بایستی احترام جهانی و موثر به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض جنسیتی، نژاد یا مذهب را نهادینه کنند و حمایت از حقوق بشر، در بین چنین اهدافی قرار می‌گیرد. با این تفسیر می‌توان بیان داشت که نقض حقوق بشر حتی برای آزادسازی تجارت، لطمه به صلح و امنیت بین‌المللی بوده و توجیهی ندارد. با در نظر گرفتن این مهم که مقررات منشورسازمان ملل متحد، مطابق ماده ۱۰۳ منشور، بر سایر موافقت‌نامه‌ها ترجیح دارد (MARCEAU, 2013 : 789) نکته حائز اهمیت این است که ماده یک منشور ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را از حقوق بشر تفکیک می‌نماید و علیرغم ارتباط کامل صلح و امنیت با حقوق بشر، حداقل از لحاظ متن منشور در میان اقداماتی که برای صلح و امنیت اتخاذ می‌شود، ذکر نشده است در حالیکه این اهداف با هم مرتبط بوده و قضات سازمان جهانی تجارت می‌توانند برای منافع عمومی تعاریف جدیدی ارائه داده و از لیست محدود اهداف مشروع، حقوق بشر را در کنار صلح و امنیت در نظر بگیرند. این موضوع در دیوان عدالت اتحادیه اروپا^{۲۰} توسط قضات مورد تایید قرار گرفته است. این دیوان حمایت از حقوق بینادین را به عنوان منافع مشروع طبیعی در توجیه محدودیت در آزادی تجارت در حوزه کالا و خدمات دانسته است اما به نظر می‌رسد با توجه به مواد تفاهم نامه حل و فصل اختلافات، قضات فراتر از موافقت‌نامه‌ها نمی‌توانند استثنائات جدیدی ایجاد نمایند و صرفاً می‌توانند استثنائات موجود در مواد ۲۰ و ۱۴ را تفسیر موسع نمایند. امری که قضات سازمان برخلاف سیستم گات انجام داده‌اند.

۲-۲-۲ توازن ایجاد شده بین منافع تجاری و حمایت از حقوق بشر

کنترل استثنائات مثبت این امر است که قضات سازمان، منافع تجاری سازمان و اهداف مشروع توجیه کننده استثنائات را در یک سطح تساوی در نظر گرفته‌اند.

رکن حل و فصل اختلاف، فلسفه وضع شروط مقدماتی را حفظ برابری حقوق و تکالیف اعضای سازمان می‌داند، از یک طرف، حق عضو در استناد به یک یا چند استثناء، در توجیه نقض تعهدات خود است و از طرف دیگر، حقوقی را که دیگر اعضاء از تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌های سازمان کسب کرده‌اند، تضمین می‌نماید و دلیل

^{۲۰}Court of Justice of the European Union.

اصلی این توازن، تعهدات متقابل اعضاء در سازمان است. به بیان دیگر، هیات استیناف در صدد ایجاد توازن بین حق اجرای تعهدات ناشی از موافقت‌نامه تجاری و حق اسفاده از استثناء است تا به سوء استفاده منجر نشود. (RUIZ FABRI, 2008 : 204)

بنابراین، بر عهده قضات است تا « نقطه تعادل بین دو حقوق متناقض را تعیین و محدود کنند» به طوری که هیچ یک از حقوق مورد بحث حق دیگری را از ضایع نکند. به بیان دیگر، هیچ اقدامی نایستی توازن حقوق و تعهدات تعیین شده توسط خود اعضاء در این توافق‌نامه را تضعیف کند. (WT/DS58/AB/R, 1998 : para 156, ۱۵۹)

به نظر هیات استیناف بین اجرای تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌های تجاری و حق عدم اجرای این تعهد با توسل به یک استثناء قانونی، شرط توازن ضروری می‌باشد به طوری که برقراری توازن بین ارزش‌های متعارض بایستی در اقدام مورد ادعای مشروع جایگزینی نداشته باشد و در تحقق اهداف مشروع و مدنظر موثر باشد و مهمتر اینکه با موافقت‌نامه‌های تجاری به طور کلی ناهمگون نباشد. یافتن یک جایگزین، روشی برای توازن دقیق بوده و به بهترین وجه از منافع رقابتی محافظت می‌کند بدون اینکه یکی بر دیگری غلبه داشته باشد. معیارهای منافع و ارزش‌هایی عمومی حیاتی، مهم و ضروری، شکل دهنده توازن بین معیارهای مختلف در تعیین ضرورت اقدام مورد مناقشه هستند. (CORNU, 2007: 719)

هرچه سهم اقدام در دستیابی به هدف مشروع بیشتر باشد، می‌توان اقدام را ضرورت تلقی کرد و اقدامی که تأثیر نسبتاً کمی روی محصولات وارداتی دارد، به راحتی نسبت به اقدامی که تأثیرات محدود کننده عمیق یا گسترده‌تری در تجارت داشته باشد، «ضروری» تلقی می‌شود. (WT/DS161/AB/R et WT/DS169/AB/R, 2000: para 162-3)

نتیجه‌گیری :

تئوری ایجاد سازمان جهانی تجارت بر مبنای رفع موانع و آزادسازی تجارت بین کشورهای عضو بنا شده است. واضعان گات در برخی از شرایط استثنایی به اعضا، اجازه تخطی از مقررات عمومی را اعطاء و کشورها با توسل به این استثنائات، در پرتو مواد ۲۰ گات و ۱۴ گاتس، از مسئولیت مبرا بوده‌اند. دلیل بیان استثنائات، نگرانی‌های اعضا در حفظ حیات و بهداشت انسان، حیوان و گیاه خلاصه می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که در زمان اجرای گات، استثنائات در مفهوم مضیق تفسیر و اجراء شده است و کشورها در توجیه اقدامات مغایر با تعهدات خود با استناد به استثنائات با شکست مواجه می‌شدند که حکایت از نگرش قضات در سیستم گات دارد. پس از ایجاد سازمان جهانی تجارت اوضاع و احوال متحول شده و نگرش به موضوعات حقوق بشر تغییر یافت. پیدایش نگرش جدید را می‌توان در مقدمه موافقت‌نامه تاسیس و در خصوص توسعه پایدار ملاحظه نمود. بنابراین، با این دیدگاه بدیع، رکن استیناف سازمان جهانی تجارت، تفسیر مضیق موجود در گات را رد می‌کند. قضات سازمان تحت تاثیر موافقت‌نامه تاسیس و به ویژه مقدمه آن در خصوص توسعه پایدار، مقررات سازمان را با مدنظر قرار دادن حقوق بشر، توسعه پایدار و حتی اولویت این حقوق بر تجارت، تفسیر و اعمال نموده‌اند.

تجزیه و تحلیل بررسی استثنائات عمومی توسط قضات سازمان جهانی تجارت منجر به نتایج ذیل می‌گردد: برخی از ملاحظات غیرتجاری مثل حمایت از حقوق بشر صراحتاً در بطن موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت به عنوان ارزش‌های والا در تجارت بیان نشده است و لیکن، علیرغم عدم ذکر صریح موارد حقوق بشر در موافقت‌نامه‌ها، رویه قضایی اولویت این حقوق را تصریح نموده و سعی در تفسیر موسع از استثنائات دارد.

ارجحیت موازن حقوق بشر بر تجارت در رویه قضایی مطلق نبوده و رویه قضایی مکلف به رعایت اهداف سازمان و محتوای موافقت‌نامه‌های چندجانبه می‌باشد. یعنی قضات وظیفه خطیر ایجاد توازن بین منافع تجاری و غیرتجاری را بر عهده دارند به طوری که هم حقوق متقابل اعضا محفوظ بماند و هم حق استثناء بدون تبعیض اعمال شود. رویه قضایی سازمان مبین این نکته است که قضات ارزش والایی به منافع غیرتجاری قائل هستند و حتی رسیدگی به این امور را هم‌تراز با رسیدگی‌های نهادهای تخصصی حقوق بشر، در نظر می‌گیرند. برای مثال، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، الگوی قضات در رسیدگی به ادعاهای ناشی از استثنائات است. توجیه قضات برای رویه اتخاذی، محتوای حقوق بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد و قواعد آمره حقوق بشر، تعهدات اعضا مطابق منشور و سایر

قواعد عام الشمول می‌باشد که در واقع جزء قواعد طبیعی و ذاتی بوده و تردیدی در لازم الاجراء بودن آنها وجود ندارد. بنابراین، رویه قضایی نه تنها بنیان سازمان را تقویت نموده بلکه به منافع تجاری نظم خاصی بخشیده است. اما رویه قضایی برای جبران نقص موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان در تعریف دقیق از موازین حقوق بشر و جهت ایجاد توازن بین منافع تجاری و غیرتجاری، علاوه بر شرایط احصایی مندرج در مقدمه و پاراگراف‌های مواد ۲۰ و ۱۴، به تفسیر این شرایط پرداخته و برای بررسی ادعای توسل به حقوق بشر در نقض تعهدات، چندین فاکتور را مدنظر قرار داده است. فاکتورهایی که در عین اجرای موازین حقوق بشر، تضمین کننده عدم سوءاستفاده‌ها از استثنائات هستند. در پرونده‌های مطروحه اصل عدم تبعیض، عدم ایجاد محدودیت پنهان در تجارت بین‌الملل و ضرورت حفظ سلامت و بهداشت انسان، حیوان و گیاهان، ضرورت حفظ اخلاقیات عمومی، مورد کنکاش قرار گرفته است. از طرف دیگر، اهمیت خاصی به اقدام جایگزین در بررسی شرایط از جمله ضرورت قائل شده است که خود نشان از اراده قضات برای محافظت و مراقبت از توازن منافع تجاری و غیرتجاری دارد. یعنی اگرچه در نگاه اول، تجارت متفاوت از حقوق بشر است ولی قضات سازمان سعی در آشتی و توازن این دو داشته‌اند به این صورت که یافتن جایگزین متناسب می‌تواند آشتی دهنده این دو موضوع یعنی حقوق بشر و تجارت باشد تا بدین سان هم قواعد تجارت مراعات شود و هم حقوق بشر اجراء گردد.

مفهوم اقدام جایگزین برای احراز ضرورت نیز متحول شده و شرایط خاصی برای اقدام جایگزین در نظر گرفته شده است: اقدام جایگزین نباید صرفاً تئوریک باشد بلکه بایستی جنبه عملی داشته باشد و نباید هزینه غیرقابل تحمل را بر عضو وارد نماید. جستجوی یک اقدام جایگزین نشان دهنده، تمایل برای حفاظت به روشی متعادل از منافع تجاری و غیرتجاری درگیر است و بنابراین شکلی از تساوی ارزشهای متناقض را در نگاه اول منعکس می‌کند.

لذا تعهدات متقابل مندرج در موافقت‌نامه‌های تجاری به عنوان حقوق بین‌الدین تجارت تلقی شده و نسبت به سایر حقوق غیرتجاری از جمله رعایت حقوق بشر، نظم عمومی، بهداشت، سلامت و اخلاق عمومی ارجحیت دارد. اما رویه قضایی سعی در ایجاد توازن با بررسی و کنترل شرایط استثنائات دارد. موضوعی که همواره می‌تواند موجب انزوای حقوق بشر از بطن موافقت‌نامه‌هایی سازمان گردد اینست که علیرغم توافق ظاهری بر معیارهای حقوق بشر، اختلافات فاحش و عدیده در محتوای این حقوق مطرح است و در جامعه بین‌الملل هر دولتی حقوق بشر را مطابق

با منافع خود تعریف می نمایید. بنابراین، وظیفه خطیر رکن حل اختلاف بررسی مطابقت اقدام متخلفانه با موازین مواد ۲۰ گات و ۱۴ گاتس، تاثیر اقدام بر تجارت، قصد و نیت اقدام کنندگان، با ایجاد رویه متحدالشکل و بهره مندی از نظر کارشناسان می باشند.

Explaining and interpreting human rights in the light of the reports of the WTO Dispute Settlement Body

Abstract

The violation of the World Trade Organization (WTO) obligations will entail the responsibility of the offending member and the articles 20 GATT and 14 GATS provide the exceptions to the general rules as a right of members but besides the necessity factor, the application of these exceptions wouldn't constitute a means of the arbitrary or unjustifiable discrimination between members on the same conditions prevail or impose disguised restrictions on international trade. The question that arises in this regard is whether the human rights standards can be expressed in the light of the general exceptions contained in the articles 20 GATT and 14 GATS with the view that human rights are not explicitly stated in these two articles and what is the attitude of the organization's jurisprudence in the Dispute Settlement Body (DSB) on the issue? In this article, we will discuss the possibility of citing the protection of human rights in the form of exceptions to the above articles.

Article 20, Article 14, Dispute Settlement body, GATT, GATS, General Exceptions, Human Rights.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها:

- ۱- امید بخش، اسفندیار (۱۳۸۹) *سازمان تجارت جهانی ساختار، قواعد و موافقت نامه ها*، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- ۲- لوفلد، آندر یاس (۱۳۹۰)؛ *حقوق بین المللی اقتصادی*، محمد حبیبی مجنده، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ۳- بیگ زاده، ابراهیم کلینی شهناز؛ باقوتی، منیژه (۱۳۸۲)؛ *حقوق سازمانهای بین المللی*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۴- صباغیان، علی (۱۳۸۹) *سازمان تجارت جهانی ساختار، قواعد و موافقت نامه ها*، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

ب) برگردان منابع فارسی به انگلیسی

- Beigzadeh, Ebrahim Klini Shahnaz; Baqouti, Manijeh, (2003); *Law of International Organizations*, Volume One, First Edition, Tehran, Majd Scientific and Cultural Association Publications. (in persian)
- Lonfeld, Ander yas, (1390), *International Economic Law*, Mohammad Habibi Majandeh, First Edition, Tehran, Jangal Publications. (In persian)
- Omidbakhsh, Esfandiar, (2010), *World Trade Organization Structure, Rules and Agreements*, First Edition, Tehran, Institute of Business Studies and Research. (In persian)
- Sabbaghian, Ali, (2010), *World Trade Organization Structure, Rules and Agreements*, First Edition, Tehran, Institute of Business Studies and Research. (In persian)

A) Books

5. CORNU Gérard, (2007), *Proportionnalité, in Vocabulaire juridique, Paris, PUF, 8ème.*
 6. LUFF David, (2004), *Le droit de l'Organisation Mondiale du Commerce : analyse critique, Paris, Bruxelles, Bruylant, LGDJ.*
 7. NGAMBI Joseph, (2007), *La preuve dans le règlement des différends de l'Organisation Mondiale du Commerce, Thèse de doctorat en Droit, Université Panthéon-Sorbonne.*
 8. 7. RUIZ Fabbri-Hélène et MONNIE Pierre, (2005), *Organisation Mondiale du Commerce. Chronique du règlement des différends, Paris, JDI.*
 9. QURESHI Asif, (2013), *Interpreting WTO Agreements (problems and perspectives), London, Cambridge University press.*
 10. SUDRE Frédéric, (2008), *Droit européen et international des droits de l'homme, Paris, PUF, 9ème éd.*
 11. VAN GRASS TEK Craig, (2019), *Histoire et avenir de l'organisation mondiale du commerce, Publications de l'OMC.*
 12. RUIZ Fabbri-Hélène (2007), *La nécessité devant le juge de l'OMC, in La nécessité en droit international, PUF, Paris.*
- B) Articles
۱۳. CARMODY Chio, (2008), "Theory of WTO law", Journal of International Economic law, Oxford University press.
 14. PAUWELYN J, (2009), "Evidence, proof and persuasion in WTO Dispute Settlement: Who Bears the Burden?" Journal of international and Economic law, vol. I.
 15. MARCEAU Gabrielle (2002), "WTO Dispute Settlement and Human Rights", EJIL.

C) Cases

16. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain) (New Application: 1962).
17. Brésil-Mesures Visant L'importation de Pneumatiques Rechapés WT/DS332/AB/R3 décembre 2007.
18. Communautés Européennes-Mesures Affectant L'amiante Et Les Produits en Contenant, WT/DS135/R18 septembre 2000.
19. Decision of 12 April 1989 on improvements to the GATT dispute settlement rules and procedures, (BISD 36S/61).
20. Etats-Unis-Normes concernant l'essence nouvelle et ancienne formules, WT/DS2/AB/R 29 avril 1996.
21. Etats-Unis-Prohibition à L'importation de Crevettes et de Certains Produits à Base de Crevettes, AB-1998-4 WT/DS58/AB/R.
22. Etats-Unis-Mesures Visant la Fourniture Transfrontières de Service de Jeux et Paris, WT/DS285/AB/R ۷ avril ۲۰۰۰.
23. European Communities-Trade Description of Sardines, WT/DS231/29 may 2002, WT. / DS31 / abs/b.
24. Korea-Mesures Affecting Imports of Fresh, Chilled and Frozen Beef, WT/DS161/AB/R WT/DS169/AB/R11 December 2000.
25. République Dominicaine-Mesures affectant l'importation et la vente de cigarettes sur le marché intérieur, WT/DS302/AB/R ۲۰ avril ۲۰۰۰.
26. United States-Standards for Reformulated and Conventional Gasoline-Status Report by the United States-Addendum WT/DS2/10/Add.7 | 26 August 1997.
27. United States-Mesures Concerning the Importation, Marketing and Sale of Tuna and Tuna Products-Appellate Body Report and Panel

Reports pursuant to Article 21.5 of the DSU-Action by the Dispute Settlement Body-Revision WT/DS381/49/Rev.1 | 17 January 2019.

28. United States-Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products-Appellate Body Report and Panel Report pursuant to Article 21.5 of the DSU-Action by the Dispute Settlement Body WT/DS58/23 | 26 November 2001.

29. United States-Standards for Reformulated and Conventional Gasoline-Status Report by the United States - Addendum WT/DS2/10/Add.7 | 26 August 1997.

30. United States-Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products-Appellate Body Report and Panel Report pursuant to Article 21.5 of the DSU-Action by the Dispute Settlement Body WT/DS58/23 | 26 November 2001.

31. United-States-Imports of Certain Automotive Spring Assemblies Report of Panel Adopted on 26 May 1983(L/5333 - 30S/107).

32. United States-Restriction on Imports of Tuna Report of the Panel, DS21/R - 39S/155.

D) Website

۳۳. Research Guides, <https://docs.wto.org/>, published at:
<https://www.WTO.org/english/tratop-e/dispute/Cases.e.htm>